

واکاوی جایگاه تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

احمد پورا بر ابراهیم*

محمد رضا پور قربانی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۷

چکیده

تکرار جرم وصف رفتارهای مجرمانه کسی است که به موجب حکم قطعی لازم‌الاجرا از یکی از محاکم کیفری، محکومیت کیفری یافته و بعداً مرتکب جرم دیگری شده است. یکی از جهات تمایز تعدد و تکرار جرم، وجود سابقه محکومیت کیفری است که شرط مهم تحقق تکرار جرم است. شروط تحقق تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی سابق عبارت بود از نخست، قطعیت محکومیت کیفری قبلی بدین معنا که حکم محکومیت اعتبار امر مختومه را دارد و باید لازم‌الاجرا شده باشد و دوم، حکم محکومیت پیشین باید تعزیری یا بازدارنده باشد. بنابراین پیشینه محکومیت به مجازات‌های غیرتعزیری و غیربازدارنده (یعنی حدود و قصاص) نمی‌توانست مستندی برای اعمال قواعد تکرار جرم قرار گیرد و قواعد ناظر بر مجازات‌های غیرتعزیری باید در ابواب فقهی مربوط جست‌وجو می‌شد. همچنین از ظاهر ماده ۴۸ ق.م.ا سابق چنین برمی‌آمد که حکم محکومیت کیفری باید لزوماً به اجرا درمی‌آمد، هرچند که در زمان حکومت قانون سابق به نظر می‌رسید که بین اجرا و اتمام حکم محکومیت کیفری تفاوت وجود دارد و بدون شک، اگر بنابه دلایلی مانند یکی از عذرهای معاف‌کننده، نباید محکومیت کیفری لزوماً به اجرا درمی‌آمد، سابقه محکومیت قطعی به تنهایی در تکرار جرم کفایت نمی‌کرد ولی اگر پس از اجرای حکم و در اثنای آن، بزهدکار مرتکب جرم جدید می‌شد، مشمول قاعده تکرار جرم قرار می‌گرفت مانند جرایم زندانیان در ضمن تحمل مجازات حبس. در مورد رکن دوم تکرار جرم یعنی محکومیت مجدد، شرط قانون سابق چیزی جز تعزیری بودن جرم بعدی نمی‌توانست شناخته شود. اما در قانون مجازات اسلامی جدید، مقررات راجع به تکرار جرم تغییرات مهمی داشته و موارد مربوط به بحث تکرار جرم، در مواد ۱۳۶ تا ۱۳۹ این قانون مورد اشاره قرار گرفته است. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، مقاله حاضر تلاش نموده تا رویکرد قانون مجازات اسلامی جدید را در مورد تکرار جرم مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: تکرار جرم، تشدید مجازات، مجازات بازدارنده، جرم‌شناسی.

* دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم (نویسنده مسؤول).

purebrahim.ahmad@yahoo.com

** کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان.

m.poorghorbani14@yahoo.com

مقدمه

تکرار جرم حالت مجرمی است که سابقه محکومیت جزایی داشته باشد. علت تکرار جرم انس و آشنایی مجرم به ارتکاب جرم است. فضاحت حاصل از ارتکاب جرم موجب نفرت جامعه از مجرم و بزهکاری اوست و همین امر وی را به ارتکاب مکرر جرم سوق می‌دهد. علمای نئوکلاسیک تشدید مجازات مرتکب تکرار جرم را مورد انتقاد قرار داده‌اند و از نظر عینی و نفسانی، آن را مخالف عدالت دانسته‌اند ولی با تکیه به مفهوم فایده اجتماعی، منفعت تشدید مجازات مرتکب تکرار جرم هویدا و آشکار می‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۲۹). در قانون مجازات عمومی ایران مختصات تکرار جرم عبارت است از موقتی بودن آثار آن، عام بودن آن، اجباری بودن آن، تصاعدی بودن آن و عطف بماسبق شدن قواعد مربوط به آن. شرایط تشدید مجازات تکرار جرم در مورد پیشینه کیفری عبارت است از قطعیت محکومیت، انقضاء مدت مجازات، عمومی بودن جرم و محکومیت بر طبق دادنامه صادره از دادگاه ایرانی.

تشدید مجازات تکرار جرم منوط است به اینکه ارتکاب جرم اخیر در مدت معینی باشد. میزان تشدید بسته به این است که سابقه کیفری یک فقره، دو فقره یا بیشتر از دو فقره باشد. کسی را مرتکب تکرار جرم گویند که سابقه محکومیت جزایی داشته باشد. تکرار جرم بر طبق قانون از موجبات تشدید مجازات محسوب می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۸۲، ص ۳۰) ولی نباید آن را با تعدد جرم اشتباه کرد؛ زیرا به طوری که بیان کردیم، در تکرار جرم - برخلاف تعدد جرم - وجود محکومیت قبلی ضروری است. ضمناً پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا محکومیت‌ها شامل کلیه دادگاه‌ها می‌شود یا خیر؟ پرسش دیگر این است که آیا عبارت ارتکاب جرم قابل تعزیر اطلاق دارد یا خیر؟ که پاسخ بدان در اثنای پژوهش ارائه خواهد شد.

علل و اسباب تکرار جرم بسیار است و غالباً همان‌هایی است که علت و سبب توسعه بزهکاری می‌باشد. از جمله اسباب تکرار جرم می‌توان این واقعیات را به‌شمار آورد که انسان بعد از آنکه در مرتبه اول خطایی مرتکب شد، برای ارتکاب خطای مجدد کمتر تردید به خود راه می‌دهد.

۱. کلیات تکرار جرم

۱-۱. مفهوم تکرار جرم

«تکرار» در لغت به معنای کاری را دوباره انجام دادن (عمید، ۱۳۸۱، ص ۴۰۷) و معادل عربی آن «عود» یعنی بازگشتن و کار قبلی را انجام دادن است. در عرف برای تحقق «تکرار»، لازم نیست فاعل و تکرارکننده «شخص واحدی» باشد. به همین خاطر گفته می‌شود فلانی کار سابق خود را تکرار کرده یا فرزند یا برادرش کار او را تکرار کرده است. همچنین مهم نیست «عمل» تکرار یافته چه «صفتی» داشته باشد؛ یعنی ممکن است شخصی سابقاً کار خیری انجام داده و مجدداً همان کار خیر را تکرار کرده باشد یا قبلاً کار نادرستی را مرتکب شده و سپس همان کار نادرست را انجام داده باشد. ضمناً از نظر عرف، عملی تکرار محسوب می‌شود که از همان نوع سابق باشد. مثلاً اگر (الف) سرقت کرده بعد مرتکب جعل شده باشد، گفته نخواهد شد که وی مرتکب تکرار شده مگر اینکه مراد، عمل «خوب» یا «نادرست» به مفهوم مطلق باشد؛ یعنی وقتی گفته می‌شود (الف) کار خویش را تکرار کرده، یعنی حسب مورد، عمل خوب یا عمل نادرست سابق خود را تکرار کرده است، صرف نظر از اینکه عمل تکرار یافته از حیث مادی چه عملی بوده باشد.

«تکرار جرم» اصطلاح «حقوق کیفری و جرم‌شناسی» است. در بین حقوقدانان تعریف واحدی در خصوص تکرار جرم وجود ندارد. اختلاف در تعریف تکرار جرم ناشی از اختلاف در شرایط تحقق تکرار جرم و تعریفی است که قانونگذار از «تکرار جرم» به عمل می‌آورده. قوانین کیفری در کشورها بیانگر نوع سیاست جنایی کشورهاست (پوربافرانی، ۱۳۸۴، ص ۷۱) و چون نوع سیاست جنایی کشورها (اصولاً) متفاوت است، ممکن است از «تکرار جرم» نیز تعاریف متفاوتی کنند و شرایط مختلفی را در تحقق تکرار جرم شرط بدانند.

۲-۱. شرایط تحقق تکرار جرم

۱-۲-۱. تکرارکننده جرم

از توجه به واژه «هرکس» معلوم می‌گردد که اولاً مقنن برخلاف نظر برخی، تکرار جرم را صرفاً از ناحیه «شخص حقیقی» قابل ارتکاب می‌داند. ثانیاً واژه مزبور شامل شخص نظامی، غیرنظامی، روحانی، مجرم سیاسی (در قانون فعلی مرتکبان جرایم سیاسی و مطبوعاتی از شمول مقررات تکرار جرم مستثنی شده‌اند)، زن، مرد، ایرانی، غیرایرانی،

مسلمان، غیرمسلمان و غیره می‌شود.

تکرارکننده جرم کسی محسوب می‌شود که پس از تحمل مجازات حد یا تحمل مجازات تعزیری یا بازدارنده، مرتکب همان جرم حدی یا تعزیری یا بازدارنده شده باشد، صرف‌نظر از اینکه عنوان مباشر، شریک، سبب یا معاون جرم را داشته باشد (کلانتری، ۱۳۹۳، ص ۹۱).

۱-۲-۲. ماهیت جرم قبلی

جرمی که به‌موجب آن، فرد به مجازات تعزیری یا بازدارنده محکوم و مجازات آن نیز اجرا شده باشد، ممکن است از جرایم عمدی یا غیرعمدی، قابل گذشت یا غیرقابل گذشت، جرم نظامی یا غیرنظامی و جرم سیاسی یا غیرسیاسی بوده باشد. اگر فردی مرتکب جرم قتل عمد موجب قصاص شده اما مجازات قصاص به‌موجب عفو اولیای دم اجرا نشده باشد و دادگاه به‌استناد ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی سابق قاتل را به حبس تعزیری محکوم کرده و قاتل پس از تحمل مجازات مزبور مرتکب جرم جعل شده باشد، دادگاه می‌تواند مجازات جرم جعل را به‌استناد ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی سابق تشدید کند.

از ظاهر ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی سابق استفاده می‌شود که اگر کسی به‌خاطر ارتکاب جرم موجب حد یا قصاص دیه محکوم شده و حسب مورد این مجازات‌ها را تحمل کرده باشد و پس از آن، مرتکب جرم قابل تعزیر گردد، دادگاه نمی‌تواند مجازات تعزیری جرم اخیر را تشدید کند! پیداست که چنین سیاستی مفید و مناسب نیست. اگر کسی مرتکب جرم موجب دیه و تعزیر شده باشد، مثلاً کسی مرتکب قتل عمد موضوع مواد ۲۲۰ و ۲۲۲ قانون مجازات اسلامی سابق و قتل غیرعمد موضوع ماده ۷۱۴ قانون مزبور شده باشد و پس از محکومیت و اجرای مجازات‌های مزبور، مرتکب جرم قابل تعزیر شده باشد، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری جرم اخیر را تشدید کند.

چنانچه کسی مرتکب جرم موجب حد شده باشد، پس از تحمل کیفر آن، در صورتی مشمول مقررات تکرار جرم خواهد شد که مرتکب همان جرم سابق شده باشد. برای مثال، اگر فردی مرتکب جرم شرب خمر شده باشد و پس تحمل کیفر، مرتکب زنا یا غیرمحصنه نیز شده باشد، حد جلد، بدون توجه به حد مسکر سابق، بر او زده می‌شود اما اگر پس از اجرای حد مسکر مجدداً شرب خمر کند، جرم اخیر مشمول تکرار جرم

است و طبق قانون، مجازات وی تشدید می‌شود.

۱-۲-۳. حکم دادگاه

منظور از «دادگاه» دادگاه عمومی و دادگاه اختصاصی است. پس چنانچه کسی به‌موجب حکم دادگاه عمومی بخش یا دادگاه نظامی یا دادگاه انقلاب به مجازات تعزیری محکوم شود و آن را تحمل کند و سپس مرتکب جرم تعزیری یا بازدارنده‌ای شود، دادگاه عمومی شهرستان می‌تواند مجازات وی را تشدید کند.

واژه «دادگاه» اطلاق دارد و شامل دادگاه‌های غیرایرانی نیز می‌شود، اما چون احکام دادگاه‌های خارجی برای محاکم ایران، مگر به تصریح قانون، اعتباری ندارند، اگر فردی (اعم از ایرانی یا خارجی) به‌موجب حکم دادگاه خارجی به مجازات محکوم شده و آن را تحمل کرده باشد و سپس در ایران نیز مرتکب جرم موجب تعزیر یا بازدارنده شده باشد، این جرم مشمول مقررات تکرار نخواهد شد (صانعی، ۱۳۷۶، ص ۴۱). برای مثال، اگر (الف) در انگلستان به‌خاطر «زدواج مجدد» محکوم و مجازات شده باشد و سپس در ایران مرتکب جرم کلاهبرداری شده باشد، دادگاه ایران نمی‌تواند به‌استناد حکم دادگاه انگلستان مجازات وی را تشدید کند.

۱-۲-۴. محکومیت به مجازات تعزیری یا بازدارنده

محکومیت به مجازات‌های حد، قصاص یا دیه اعم از اینکه اجرا شده باشد یا اجرا نشده باشد، مقدمه قانونی برای تحقق تکرار جرم نخواهد بود، زیرا اگر کسی صرفاً به مجازات تعزیری یا بازدارنده محکوم شده و این مجازات‌ها حسب مورد اجرا شده باشد، شرط تحقق تکرار جرم می‌باشد (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۲). همان‌گونه که اشاره شد، این تدبیری درست و منطقی نیست و معلوم نیست چرا اگر کسی که مرتکب جرم توهین ساده یا سرقت تعزیری یا تصرف عدوانی شده و مجازات آن را نیز تحمل کرده و سپس مرتکب همان جرم یا جرم موجب تعزیر دیگری شده، دادگاه می‌تواند با اجرای مقررات تکرار جرم، مجازات وی را تشدید کند، اما اگر کسی مرتکب جرم قوادری یا سرقت موجب حد شده و مجازات آن نیز اجرا شده و بعد مرتکب جرم کلاهبرداری یا اختلاس شده باشد، دادگاه نمی‌تواند مجازات این جرایم را تشدید کند؟ شاید گفته شود مجازات‌های شرعی قابل تشدید نیستند، اما با کمی دقت متوجه خواهیم شد که این پاسخ صحیح نیست؛ زیرا اگر کسی پس از محکومیت به مجازات شرعی و تحمل آن،

مرتکب جرم موجب تعزیر شود، تشدید مجازات تعزیری هیچ‌گونه ممنوعیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

۱-۲-۵. اجرای مجازات

در قوانین جزایی پیش از انقلاب، شرط شمول مقررات تکرار جرم، محکومیت قطعی یا محکومیت نهایی لازم‌الاجرا بود اما به موجب مقررات بعد از انقلاب، علاوه بر محکومیت، اجرای مجازات نیز شرط شده است. به نظر می‌رسد چنانچه اجرای مجازات شرط دانسته شود مناسب‌تر باشد؛ زیرا این نظر، مفید به حال مرتکب جرم خواهد بود چون دایره شمول مقررات تکرار جرم محدودتر می‌شود و هرچه این امر بیشتر صورت گیرد، به نفع بزهکار خواهد بود. از طرفی، طبق آموزه‌های جرم‌شناسی، مجازات عامل بازدارندگی و نیز موجب اصلاح و تأدیب بزهکار خواهد بود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱). بنابراین مادامی که مجازات اجرا نشده باشد، قطعیت تصمیم‌گیری و واکنش جامعه نسبت به مجرم مشخص نمی‌شود و بزهکار نیز تحمل مجازات را عملاً حس نکرده است. در نتیجه، چنانچه مجازات اجرا نشده باشد، چگونه مشخص خواهد شد که آیا اثری داشته یا خیر؟ اما اگر فردی پس از اجرای مجازات، مجدداً مرتکب جرم شود، به وضوح محرز خواهد شد که وی اصلاح نشده و مجازات اعمال شده سابق کافی نبوده و مانع تجری وی نشده است؛ به همین خاطر باید مجازات وی تشدید شود تا مانع تجری وی شود (زراعت، ۱۳۸۸، ص ۷۹).

از عبارت «بعد از اجرای حکم» استفاده می‌شود که مجازات باید تماماً اجرا شده باشد و اجرای فقط بخشی از مجازات کافی نخواهد بود. در نتیجه اگر مرتکب جرم به موجب عفو عمومی، آزادی مشروط، تعلیق مجازات، مرور زمان یا هر علت و موجب قانونی، تمام یا بخشی از مجازات مورد حکم را تحمل نکرده باشد، مشمول مقررات تکرار جرم نیست. مضافاً اگر محبوس در زندان یا خارج از آن مرتکب جرم شود، چون مجازات حبس را تماماً تحمل نکرده و مجازات اجرا نشده، از نظر قانونی به وی تکرارکننده جرم گفته نخواهد شد.

ظاهر ماده ۴۸ قانونی مجازات اسلامی سابق به روشنی دلالت دارد که اگر «بعد از اجرای مجازات تعزیری» مجدداً مرتکب جرم موجب تعزیر شود مشمول مقررات تکرار جرم خواهد بود (الهام، ۱۳۸۲، ص ۸۹)، اما برخی برخلاف صراحت و ظاهر قانون، برای

اجرای مقررات تکرار جرم، صرفاً «شروع به اجرای مجازات» (نه اجرای تمام مجازات) را کافی می‌دانند. این برداشت نه تنها برخلاف صراحت و ظاهر قانون است، بلکه تفسیر موسع است و مغایر اصول جزایی می‌باشد (ساک، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱).

در قانون مجازات اسلامی، «شروع به اجرای مجازات» برای اجرای مقررات تکرار جرم شرط شده است. اینکه آیا برای اجرای مقررات تکرار جرم، «شروع به اجرای مجازات» کفایت می‌کند یا «اجرای تمام مجازات» لازم است، بستگی به سیاست کیفری مقنن دارد. چنانچه «شروع به اجرای مجازات» را کافی بدانیم، قائل به سیاست تشدید مجازات شده‌ایم، اما اگر «اجرای تمام مجازات» را ضروری بدانیم، رویکرد ارفاقی به مرتکب جرم پیدا کرده‌ایم و براساس آموزه‌های جرم‌شناسی نیز عمل نموده‌ایم (نوروزی فیروز، ۱۳۸۷، ص ۴۰۶).

۱-۲-۶. ارتکاب جرم قابل تعزیر

خواه جرم ارتكابی از همان جرم سابق باشد یا جرم تعزیری دیگری، در برخی از مقررات جزایی قبل از انقلاب و نیز ماده ۱۹ قانون راجع به مجازات اسلامی، شرط تحقق تکرار جرم، ارتکاب همان جرم سابق یا مشابه آنها بود (ولیدی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۹).

چنانچه برای تحقق تکرار جرم فقط ارتکاب همان جرم یا جرم مشابه سابق لازم دانسته شود، در این صورت فرض بر این است که صرفاً تکرار کنندگان جرم به‌عادت، برای جامعه خطرناک هستند و باید با تشدید مجازات مانع ادامه فعالیت مجرمانه آنها شد. اما اگر کسی بعد از تحمل مجازات مرتکب جرم موجب تعزیر دیگری شود، خطرناک تلقی نمی‌شود و نیازی به تشدید مجازات وی نخواهد بود (شمس ناتری، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱).
اینکه آیا این نظر صحیح و به‌نفع جامعه است، نیاز به تأمل بیشتر دارد.

چنانچه عقیده بر این باشد که مجازات مانع ارتکاب مجدد جرم از ناحیه مجرم خواهد شد، اگر مجرم با وجود تحمل مجازات مرتکب جرمی شود (همان جرم سابق یا جرم دیگر)، مشخص می‌شود که مجازات اعمال شده هیچ‌گونه تأثیری نداشته و بزهکار همچنان خطرناک است و به مقررات و ضوابط قانونی و اجتماعی ملتزم نیست؛ بدین خاطر باید مجازات وی تشدید شود. البته قبول این نظر (ارتکاب جرم قابل تعزیر یا بازدارنده) به‌نحو مطلق در مقام این نیست که با مجرمان حرفه‌ای و تبه‌کاران متخصص در جرم یا جرایم خاص سیاست ویژه‌ای اعمال نکرد، اما اعمال سیاست ویژه نسبت به

بزهکاران حرفه‌ای نافی اعمال سیاست مناسب با سایر تکرارکنندگان جرم نخواهد بود (ابرنندآبادی، ۱۳۷۷، ص ۹۱).

«ارتکاب جرم قابل تعزیر یا بازدارنده» اطلاق دارد؛ یعنی شامل جرم تام، شروع به جرم و نیز شامل مباشرت، تسبیت، مشارکت و معاونت در جرم می‌گردد؛ البته ممکن است جرم ارتكابی از جرایمی باشد که علاوه بر حد، قصاص یا بجای قصاص، مجازات تعزیری داشته باشد (قیاسی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۰). برای مثال، چنانچه فردی مرتکب جرم جعل سند شده و مجازات آن را تحمل کرده باشد و بعد مرتکب قتل گردیده و قصاص مورد حکم نیز از ناحیه اولیای دم عفو شده باشد، دادگاه به استناد ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی سابق وی را به مجازات حبس محکوم می‌کند و برابر ماده ۴۸ قانون یادشده، مجازات وی را تشدید می‌کند.

۱-۲-۷. اختیار تشدید مجازات

در مقررات جزایی قبل از انقلاب، در پاره‌ای از موارد قاضی مکلف به تشدید مجازات بود، اما در بعد از انقلاب، تشدید مجازات تکرارکنندگان جرم در اختیار قاضی قرار داده شد. درباره اینکه آیا سیاست اجباری بودن تشدید مجازات درست، مفید و مناسب است یا سیاست اختیاری بودن آن، ممکن است گفته شود که تردید در تشدید یا عدم تشدید مجازات، مؤثر در بازدارندگی عام و خاص نیست و موجب تزلزل در حتمیت تشدید و اجرای مجازات خواهد شد. در مقابل، ممکن است سیاست اختیاری بودن تشدید مجازات در تکرار جرم مورد تأیید و حمایت عده‌ای قرار گیرد و استدلال شود که هدف از اعمال مجازات و حتی تشدید آن، برای بازداشتن مرتکب جرم و جامعه از ارتکاب جرم است و اینکه آیا اعمال و تشدید مجازات، ضرورت دارد یا خیر، منوط به تشخیص قاضی پرونده است؛ زیرا وی مستقیماً با مرتکب جرم مواجه می‌شود و از شخصیت وی آگاه می‌گردد و متوجه می‌شود که آیا نیازی به تشدید مجازات هست یا خیر. پس اگر قاضی تشخیص بدهد که بر تشدید مجازات فایده‌ای مترتب نیست، نباید مجازات تشدید شود (ره‌دارپور، ۱۳۹۰، ص ۲۹).

در ارزیابی دو نظر فوق باید به صورت عملی و منطقی تحقیق کرد که آیا در سابق و در زمانی که قاضی در ایران مکلف به تشدید مجازات بود، اهداف مقنن، یعنی نظم، امنیت، حقوق و مصالح عمومی بیشتر تأمین شده و نرخ تکرار جرم کاهش یافته یا از

تاریخی که دادگاه مخیر در تشدید مجازات شده، اهداف مزبور بهتر محقق گردیده است؟ متأسفانه عادت شده که صرفاً به شرح الفاظ و عبارات قانونگذار بسنده شود و توجهی به عوامل خارجی و تأثیرگذار نگردد. پیداست که چنین رویکردی منطقی نیست و نقشی در حل مشکلات و معضلات جامعه نداشته و نخواهد داشت.

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، در مقررات بعد از انقلاب سقفی برای تشدید مجازات پیش‌بینی نشده است (ریاحی، ۱۳۹۲، ص ۷۱). مثلاً اگر فردی مشمول مقررات تکرار جرم شده باشد، دادگاه تا چه میزان اختیار تشدید مجازات دارد؟ آیا فقط می‌تواند تا حداکثر مجازات اقدام به تشدید مجازات کند؟ به‌علت ابهام در قانون، در دکتترین حقوقی و نیز در رویه قضایی تشتت و اختلاف ایجاد شد. نهایتاً هیأت عمومی دیوان عالی کشور به‌نحو اطلاق مقرر داشت که «تعیین مجازات برای متهم بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون بدون اینکه نص صریحی در این خصوص وجود داشته باشد فاقد وجاهت قانونی است». با وجود این، آیا بر مقررات تکرار جرم فایده‌ای مترتب است یا خیر؟ برخی گفته‌اند که دادگاه هرچند اختیار تشدید بیش از حداکثر را ندارد، اما می‌تواند به‌استناد ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی سابق، علاوه بر تشدید مجازات تا حداکثر، تکرارکننده جرم را به مجازات تکمیلی نیز محکوم کند (نوربهار، ۱۳۷۵، ص ۲۰۱) این نظر هرچند مفید است، ابهامات و کاستی‌های قانونی را برطرف نمی‌کند.

۱-۲-۸. احراز جهات لزوم تشدید مجازات

در ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی سابق آمده که «دادگاه می‌تواند در صورت لزوم، مجازات تعزیری یا بازدارنده را تشدید کند». آیا «لزوم تشدید مجازات» از شرایط اجرای مقررات تکرار جرم است و دادگاه باید «لزوم تشدید مجازات» را احراز و جهات آن را در حکم تصریح کند؟ جهات لزوم تشدید مجازات کدام است و تشخیص آن با چه کسی است؟ اگر جهات لزوم تشدید و مجازات در حکم تصریح نشود، آیا حکم مخدوش و قابل نقض است یا خیر؟ با عنایت به اینکه دادگاه با وجود تحقق شرایط تکرار جرم اختیار تشدید را دارد، با تشدید مجازات از سوی دادگاه، فرض بر این است که وی تشدید مجازات را لازم دانسته است. پس صرف تشدید مجازات دلیل بر این است که دادگاه جهات لزوم تشدید مجازات را تشخیص داده و نیازی به ذکر این جهات در حکم نیست. برای نمونه در رأی شماره ۹۷۰۹۹۷۱۸۳۵۱۰۰۳۸۱ مورخ ۹۷/۳/۱۲ صادره از شعبه

۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان صومعه‌سرا (۱۰۱ جزایی سابق) چنین آمده است: «در خصوص اتهام آقای م.ع فرزند ا، متولد ۱۳۳۴، شغل کشاورز، معیل، دارای سابقه کیفری، آزاد به قید تودیع وثیقه، دایر بر نگهداری پانصد و پنجاه و سه گرم مواد مخدر از نوع تریاک، سیصد و سه گرم مواد مخدر از نوع سوخته تریاک و پنجاه و سه گرم مواد مخدر از نوع شیره مطبوخ موضوع کیفرخواست شماره ... مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۷ صادره از دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان صومعه‌سرا؛ دادگاه با التفات به اوراق و محتویات پرونده، صورت جلسه دستگیری متهم، صورت جلسه توزین مواد و اعتراف متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی و سایر قرائن و امارات منعکس در پرونده، ارتکاب بزه‌های انتسابی از سوی نامبرده را محرز و مسلم تشخیص و مستنداً به ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بند ۳ ماده ۵ و ماده ۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات بعدی آن و رعایت تناسب مجازات با میزان مواد مکشوفه، علاوه بر ضبط مواد مکشوفه به نفع دولت، متهم موصوف را بابت نگهداری مواد مخدر مذکور (با تشدید مجازات به لحاظ تکرار جرم در مرتبه پنجم) به پرداخت پنجاه و هفت میلیون و دویست و هفتاد هزار ریال جزای نقدی و تحمل هفتاد و پنج ماه و بیست و هفت روز حبس و هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری محکوم می‌نماید. رأی صادره حضوری ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم محترم تجدیدنظر استان گیلان می‌باشد».

۱-۲-۹. معلوم نبودن محکومیت سابق

طبق تبصره ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی سابق، «هرگاه حین صدور حکم محکومیت‌های سابق مجرم معلوم نباشد و بعداً معلوم شود، دادستان مراتب را به دادگاه صادرکننده حکم اعلام می‌کند. در این صورت اگر دادگاه محکومیت‌های سابق را محرز دانست، می‌تواند طبق مقررات این ماده اقدام نماید».

قانونگذار برخلاف قاعده فراغ از دادرسی و قاعده اعتبار امر مختومه، به دادگاه اجازه تجدیدنظر در حکم سابق‌الصدور خویش و تشدید مجازات را داده است. «دادگاه» در این تبصره به‌نحو اطلاق ذکر شده و شامل دادگاه بدوی و تجدیدنظر و نیز دادگاه عمومی و اختصاصی می‌شود و منظور از «حکم» اعم از قطعی یا غیرقطعی و نیز غیابی یا حضوری بوده باشد.

اعلام دادستان به دادگاه از محکومیت سابق، تکلیف و اجباری است (اما تکلیفی برعهده محکوم، شاکی خصوصی و نیز مقام قضایی دیگر نیست)؛ زیرا دادستان علاوه بر اینکه وظیفه تأمین حفظ نظم و امنیت عمومی را برعهده دارد، مسئولیت نظارت بر حسن اجرای قوانین نیز برعهده اوست. واژه «دادستان» نیز مطلق است؛ خواه دادستان حوزه قضایی دادگاه صادرکننده حکم اخیر باشد و خواه دادستان حوزه قضایی دیگری. قانونگذار نحوه اعلام از ناحیه دادستان را مشخص نکرده است. به نظر می‌رسد که دادستان بدون اینکه استدلال کند، صرفاً محکومیت سابق را به همراه ادله‌ای که بیان‌کننده امر باشد، مثلاً تصاویری از حکم بدوی و حکم تجدیدنظر (در صورتی که قابل تجدیدنظر بوده و در مهلت قانونی درخواست تجدیدنظر شده و قطعی گردیده باشد) به همراه مدارکی که مؤید اجرای حکم قطعی سابق باشد، ارسال کند. با توجه به ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی سابق، منظور از «محکومیت سابق» عبارت از «محکومیت سابق که به موقع اجرا درآمده است» می‌باشد نه هر محکومیتی. ضمناً مراد از «محکومیت سابق» که مجازات آن اجرا شده باشد، صرفاً محکومیت به مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده است.

اعلام دادستان به دادگاه طریقت دارد و مهم اطلاع دادگاه از سوابق محکوم است. همچنین ممکن است دادگاه از طریق زندان، اداره سجل قضایی و غیره از سوابق امر مطلع شود و مقررات تکرار جرم را اعمال نماید (باهری، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱). اگر پس از اجرای مجازات احراز شود فردی که مجازات وی اجرا شده سابقاً نیز مرتکب جرم شده و مجازات وی اجرا شده، آیا دادگاه صلاحیت تجدیدنظر در حکم اخیر را دارد؟ و نیز آیا دادستان تکلیفی در این مورد پیدا می‌کند یا خیر؟ قانون صریح نیست؛ با توجه به اطلاق واژه «حکم» که شامل حکم اجرا شده نیز می‌شود، پاسخ موارد فوق مثبت است، اما چون تفسیر موسع و برخلاف حقوق متهم و نیز برخلاف قاعده اعتبار امر قضاوت شده است، به نظر می‌رسد پاسخ‌های فوق منفی باشد (نوربها، ۱۳۷۵، ص ۲۰۹).

۲. تبیین تکرار جرم از منظر جرم‌شناسی

«تکرار جرم» علاوه بر اینکه از موضوعات حقوق کیفری است و در جزای عمومی، مقررات، رویه قضایی و دکترین حقوقی درباره آن بحث و بررسی می‌شود و پیشنهادهای اصلاحی داده می‌شود، از مسائل مهم جرم‌شناسی نیز هست (گرچی، بی‌تا، ص ۸۰).

مفهوم تکرار جرم در حقوق کیفری تابع تعریف قانونی است، اما در جرم‌شناسی، تعریف تکرار جرم لزوماً از تعریف قانونی تبعیت نمی‌کند. بر این اساس، مرز تعدد و تکرار جرم در حقوق کیفری با توجه به تعریف قانونی مشخص است و بالطبع، دایره شمول هر یک افزایش یا کاهش می‌یابد. اما در جرم‌شناسی ممکن است مرزی بین این دو وجود نداشته باشد و مترادف هم ذکر شوند و از طرفی ممکن است ارکان، انواع و مصادیق تکرار جرم در جرم‌شناسی متفاوت از تکرار جرم در حقوق کیفری باشد.

در حقوق کیفری به تبعیت از مقنن، به مفهوم خاصی تکرار جرم گفته می‌شود، اما در جرم‌شناسی به علت عدم انقیاد کامل جرم‌شناسی از تعابیر قانونی، ممکن است به تکرار کننده جرم، مجرمین حرفه‌ای، مجرمین به‌عادت، مجرمین متخصص، افراد جرم‌پیشه و غیره نیز گفته شود. البته چون تمام تلاش جرم‌شناسی بررسی علل وقوع جرم و ارائه طرقی برای پیشگیری از آن و بازاجتماعی کردن و اصلاح مرتکب جرم است، مقنن نیز در تعابیر خود از اصطلاحات جرم‌شناسی استفاده می‌کند که بالطبع، در حقوق کیفری مصطلح و رایج می‌شود. «تکرار جرم» نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ زیرا قانونگذار در پاره‌ای از قوانین، از اصطلاحات جرم‌شناسی نظیر مجرمین به‌عادت، مجرمین حرفه‌ای و غیره استفاده می‌کند (کی‌نیا، ۱۳۷۰، ص ۳۵۲).

- سؤالات مهمی که در جرم‌شناسی در خصوص تکرار جرم مطرح می‌شوند عبارتند از:
- ۱- چرا بزه‌کار مجدداً مرتکب جرم می‌شود؟ کدام‌یک از عوامل جرم‌زا (یعنی محیط، وضعیت روانی و نیز ساختار فیزیکی مجرم) نقش داشته و مؤثر بوده است؟
 - ۲- آیا دولت در پیشگیری از جرم به‌طور عام و دوباره تکرار به‌طور خاص، به وظایف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، آموزشی، دینی و غیره عمل کرده است یا خیر؟
 - ۳- آیا سیاست کیفری قانونگذار کارآمد، مؤثر و مفید بوده و مجازات مناسبی برای اصلاح و بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم در نظر گرفته است؟
 - ۴- آیا اختیاراتی که به قاضی در تخفیف و تعلیق مجازات، آزادی مشروط، تشدید مجازات و غیره داده، در نرخ جرم بی‌تأثیر بوده است؟
 - ۵- آیا سیاست قضایی به‌درستی تدوین و اعمال شده و اطلاع دادرسی، نحوه تحقیقات، برچسب اتهام و غیره نقشی در تکرار جرم نداشته است؟

۶- آیا زمان و مکان و نحوه اجرای مجازات مناسب بوده است؟ مثلاً آیا زندان توانست در کاهش نرخ تکرار جرم مؤثر باشد یا نه تنها تأثیری در کاهش نرخ تکرار جرم نداشته بلکه از عوامل مؤثر در فزونی تکرار جرم بوده است؟

۷- آیا دولت علاوه بر توجه به تکرارکنندگان جرم، نباید به بزه‌دیدگان تکرارکنندگان جرم نیز توجه کند و حمایت‌های لازم را به عمل آورد؟ در غیر این صورت یعنی در صورت بی‌توجهی دولت و عدم حمایت‌های لازم از بزه‌دیدگان یادشده، آنها از مجرمان و حتی تکرارکنندگان بالقوه جرم نخواهند شد؟

۸- آیا مطبوعات، تلویزیون، رادیو، سخنرانان اجتماعی و مذهبی، دانشگاه‌ها، مدارس و غیره به وظایف خویش به خوبی و به موقع در آموزش مناسب عمل کرده‌اند؟ آیا فرهنگ عمومی جامعه در نوع نگاه به مرتکب جرم و کسی که با تحمل مجازات، دین خویش را به جامعه ادا کرده، باید همچنان مشغول‌الذمه تلقی شود و مطرود باشد و جامعه هیچ‌گونه اغمازی در روابط اجتماعی، کاری و خدماتی خویش با او نداشته باشد؟

۹- آیا جامعه طبق حدیث معصوم که فرمود «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة»، هیچ‌گونه مسؤولیتی در تکرار جرم بزهکار نداشته است؟ آیا اگر جامعه به وظایف شرعی و اخلاقی خود مبنی بر امر به معروف و نهی از منکر عمل می‌کرد و اهل نصح و ارشاد و انذار بود و خویش را در ناداری دیگران مسؤول می‌دانست و به انفاق می‌پرداخت و خود را در غم و شادی دیگران سهیم می‌دانست و ... نرخ جرم و تکرار جرم به غایت کاهش نمی‌یافت؟

خلاصه اینکه اگر سیاست جنایی مبتنی بر آموزه‌های جرم‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست، اخلاق، مردم‌شناسی و خصوصاً مذهب نبوده و قضات و مجریان احکام کیفری آموزش مناسب ندیده باشند و ... موجب می‌شود تا نرخ تکرار جرم در جامعه افزایش پیدا کند و ضریب امنیت، آسایش و آرامش جامعه کاهش یابد و مصالح عمومی مورد مخاطره قرار گیرد و تعداد زیادی از جمعیت زندان را تکرارکنندگان جرم تشکیل دهند و پرونده‌های زیادی درباره آنها در مراجع قضایی گشوده شود. این عوامل موجب می‌شود تا هزینه دولت در زمینه احداث زندان، استخدام کارکنان زندان، هزینه‌های مختلف زندان، استخدام قضات و کارکنان دادگستری و ضابطان دادگستری و غیره افزایش یابد. بدیهی است افزایش هزینه‌ها در موارد فوق قطعاً کاهش بودجه را در

زمینه آموزش، بهداشت، خدمات و رفاه عمومی و غیره به دنبال خواهد داشت و نتیجه این امر بالا رفتن نرخ جرم و تکرار جرم در جامعه خواهد بود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷، ص ۸۲).

برخی گفته‌اند که چون سیاست جنایی در قبال تکرار جرم که به سه صورت شامل ۱- تقویت و تشدید سرکوبی (مجازات) ۲- طرد و حذف مجرمان از طریق انتقال آنها به مناطق دوردست ۳- پیشگیری از تکرار جرم از طریق اصلاح مجرم اولیه، در عمل موفقیتی به همراه نداشته و موجب کاهش تکرار جرم نشده است، راه‌حل‌های جدیدی برای مهار تکرار جرم پیشنهاد کرده‌اند که عبارت است از «تشخیص و درمان بزهکاران بالقوه قبل از بلوغ و تشخیص و درمان بزهکاران بالفعل صغیر که به‌طور بالقوه بزهکار بزرگسال تکرارکننده محسوب می‌شوند، از طریق ایجاد نهادها و مؤسسات تخصصی برای اطفال بزهکار» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷، ص ۹۱).

راه‌حل‌های پیشنهادی فوق به‌غایت مبهم و نارساست؛ زیرا عبارت «بزهکاران بالقوه» کلی و مبهم است و فرض پیشنهادکنندگان راه‌حل‌های یادشده این است که اگر افرادی در سن بزرگسالی مرتکب جرم می‌شوند، به‌طور حتم در دوران طفولیت بالقوه یا بالفعل بزهکار بوده‌اند!

اینکه شکل‌گیری شخصیت انسانی در دوران طفولیت نقش بسزایی در زندگی آتی وی دارد قابل کتمان نیست، اما بخش زیادی از تکرارکنندگان جرم پس از دوران طفولیت به‌خاطر عوامل مختلف جرم‌زا، تغییر شخصیت می‌دهند و مرتکب جرم و نیز جرایم به‌صورت پی‌درپی می‌شوند درحالی‌که در طفولیت - نه بالقوه و نه بالفعل - آلوده به بزه نبوده‌اند. مضافاً اینکه پیشنهاددهندگان راه‌حل‌های مزبور منکر تأثیربخشی مجازات در بازدارندگی عمومی و فردی شده‌اند و اعمال و عدم اعمال آن را علی‌السویه می‌دانند. کوتاه سخن اینکه راه‌حل‌های یادشده نیز منطقی و جامع نیست؛ زیرا در این صورت، تدوین‌کنندگان سیاست جنایی در کشورها باید مجازات را از متون قانونی حذف می‌کردند و دادگستری‌ها و دوایر نیروی انتظامی صرفاً به کارگاه‌های آموزشی و بازپروری اختصاص داده می‌شد، حال آنکه در هیچ کشوری این‌گونه نشده است (نوروزی فیروز، ۱۳۸۷، ص ۴۱۹).

۳. روش‌های مختلف بررسی مجازات تکرار جرم

۳-۱. از نظر ماهیت جرم ارتكابی

گاهی مجرم به دفعات مرتکب جرم خاصی می‌شود. مثلاً مرتکب چندبار کلاهبرداری می‌شود. در این حالت تشدید مجازات مرتکب به این علت است که مجرم عادت به ارتکاب جرم خاصی پیدا کرده که برای جامعه خطرناک است. بنابراین قانونگذار مجازات او را سنگین‌تر می‌سازد. این مورد را تکرار جرم «خاص» می‌گویند. ولی هرگاه مجرم در ارتکاب جرم یا جرایم بعدی عادت به ارتکاب جرم خاصی را نداشته، بلکه مرتکب جرایمی به‌طور مختلف شده‌باشد، در این حالت هم به‌علت اینکه مجرم به‌طور کلی عادت به بزهکاری پیدا کرده، مجازات او تشدید می‌شود. این مورد از تکرار جرم را تکرار جرم «عام» می‌نامند. با توجه به ماده ۱۳۷ ق.م.ا.مقنن از حیث میزان تشدید مجازات تفاوتی میان تکرار جرم «خاص» و تکرار جرم «عام» قائل نشده است. به عبارت دیگر، برای تحقق تکرار جرم لازم نیست محکوم‌علیه مرتکب نظیر جرم اولیه یا جرم مشابه شده باشد بلکه ارتکاب هر جرم تعزیری درجه یک تا شش موجب تشدید کیفر می‌گردد (نسی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۹۱).

۳-۲. از نظر فاصله زمانی بین محکومیت اول و محکومیت دوم یا جرم ارتكابی ثانوی

از نظر توجه به فاصله بین دو جرم ارتكابی هم تصور دو روش مختلف مجازات امکان‌پذیر است. ممکن است در یک نظام جزایی، فاصله بین دو محکومیت به‌هیچ‌وجه در مقررات تکرار جرم تأثیری نداشته باشد که در این صورت «بدون مدت» خواهد بود، یا آنکه قانونگذار مجازات تکرار جرم را مشروط بر این بداند که ارتکاب جرم جدید در فاصله معینی پس از محکومیت، به‌خاطر جرم قبلی صورت گرفته باشد. در این صورت روش مجازات تکرار جرم «مدت‌دار» خواهد بود. فرق این دو روش مجازات این است که در تکرار جرم مدت‌دار، قانونگذار فرض می‌کند کسی که در فاصله معین زمانی پس از محکومیت قطعی به‌خاطر جرم دیگر مجدداً مرتکب جرم جدید می‌شود، خطر بیشتری برای جامعه دارد و از این نظر باید مجازات سنگین‌تری را تحمل کند. در این روش مجازات ممکن است قانونگذار مدت‌های گوناگونی را پیش‌بینی کند و هر قدر فاصله جرم ارتكابی جدید با محکومیت قبلی کمتر باشد، مجازات سنگین‌تری برای مرتکب تکرار جرم پیش‌بینی نماید. با توجه به ماده ۱۳۷ ق.م.ا.مقنن از روش تکرار جرم «بدون

مدت» برای مجازات مرتکبین تکرار جرم استفاده می‌کند و جز فاصله‌ای کلی که از تاریخ قطعیت حکم قبلی تا زمان اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان ادامه می‌یابد، شرط زمانی دیگری برای مجازات تکرار جرم قائل نشده است (گلدوزیان، ۱۳۸۲، ص ۸۷).

۴. امکان اعمال قواعد تعدد و تکرار جرم به صورت توأمان

اگر پس از صدور حکم محکومیت قطعی کیفری، محکوم علیه مرتکب جرایم متعدد شود، ممکن است مشمول قواعد تعدد و تکرار جرم به صورت توأمان شود. فرض کنید نسبت به آقای (الف) محکومیت قطعی به ۳ سال حبس تعزیری صادر شده است؛ سپس مشارالیه مرتکب سرقت مسلحانه (ماده ۶۵۲ ق.م.ا.ت.عزیرات) و کلاهبرداری (ماده ۱ ق.ت.م.م.ا.ک) می‌شود. در اینجا دادگاه ابتدا قواعد تعدد جرم را در مورد جرایم سرقت و کلاهبرداری اعمال می‌کند؛ بدین توضیح که برای هر یک از جرایم ارتكابی حداکثر مجازات (سرقت مسلحانه ۱۰ سال حبس و کلاهبرداری ۷ سال حبس) را تعیین می‌کند و آنگاه به اعمال قواعد تکرار جرم می‌پردازد؛ بدین توضیح که می‌تواند مجازات اشد (۱۰ سال حبس) را حداکثر تا یک و نیم برابر آن تشدید نماید.

۵. جرایم سیاسی

ماده ۱۳۸ ق.م.ا. بیان می‌دارد: «مقررات مربوط به تکرار جرم در جرایم سیاسی و مطبوعاتی و جرایم اطفال اعمال نمی‌شود».

بنابه فرض، هدف مجرمان سیاسی تأمین منافع جمعی و عمومی است و این مجرمان از انگیزه‌های پست و غیرانسانی به دور هستند، بنابراین قانونگذار فعالیت‌های مجرمانه آنها را مشمول مقررات تکرار جرم و تشدید مجازات نشناخته است.

مقنن هنوز تعریفی از جرایم سیاسی ارائه نداده، لیکن برخی حقوقدانان جرم سیاسی را چنین تعریف کرده‌اند: «جرم سیاسی عمل مستحق کیفری است که با انگیزه و هدف سیاسی، مستقیماً تشکیلات سیاسی مملکت و اساس حکومت و حقوق سیاسی افراد را مورد حمله و تعرض قرار دهد». در این تعریف، «هدف و انگیزه»، «نفس عمل ارتكابی» و «طبع خاص حقوق مورد تعرض» مورد عنایت قرار گرفته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۲).

۶. تحلیل مواد ۱۳۷ تا ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

ماده ۱۳۷ ق.م.ا بیان می‌دارد: «هرکس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود».

موضوع ماده فوق، تکرار جرم در قلمرو جرایم تعزیری درجه یک تا شش است. بنابراین در جرایم تعزیری درجه‌های ۷ و ۸ مقررات تکرار جرم قابل اعمال نیست. تکرار جرم، وصف افعال شخصی است که به موجب حکم قطعی محکومیت کیفری یافته و بعداً مرتکب جرم دیگری شده که مستلزم محکومیت شدید کیفری است. مهمترین وجه تمایز تعدد و تکرار جرم وجود سابقه محکومیت قطعی کیفری است که شرط مهم تحقق تکرار جرم محسوب می‌شود (صانعی، ۱۳۷۶، ص ۲۲).

برای نمونه در رأی شماره ۹۷۰۹۹۷۱۸۳۵۱۰۰۹۸۴ مورخ ۹۷/۶/۶ شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان صومعه‌سرا (۱۰۱ جزایی سابق) چنین آمده است: «در خصوص اتهام آقای س. و فرزند ط. متولد ۱۳۶۷، مجرد، دارای سابقه کیفری، بازداشت به لحاظ عجز از تودیع وثیقه، دایر بر نگهداری دو سانتی گرم شیشه، موضوع کیفرخواست شماره ... مورخ ۱۳۹۷/۵/۲۰ دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان صومعه‌سرا. با التفات به اوراق و محتویات پرونده، تحقیقات مقدماتی، صورت جلسه دستگیری متهم، صورت جلسه توزین مواد، اعتراف متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی و اقرار وی در جلسه دادرسی، ارتکاب بزه انتسابی از سوی نامبرده را محرز و مسلم تشخیص و مستنداً به ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بند ۱ ماده ۸ و ماده ۹ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر با الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات بعدی آن و با رعایت تناسب مجازات با میزان مواد مکشوفه، متهم موصوف را علاوه بر ضبط مواد مکشوفه به نفع دولت، با تشدید مجازات به لحاظ تکرار جرم در مرتبه دوم، به پرداخت مبلغ یک میلیون و پنجاه هزار ریال جزای نقدی و تحمل چهل و هشت ضربه شلاق تعزیری محکوم می‌نماید. رأی صادره حضوری ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم محترم تجدیدنظر استان گیلان می‌باشد».

همچنین، به نظر می‌رسد که بین ماده ۱۳۷ و ماده ۲۵ ق.م.ا تعارض وجود دارد؛

بدین معنا که در ماده ۲۵ ق.م.ا محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی، تنها در حبس تعزیری تا درجه پنج مقرر شده و در تبصره ۲ ماده ۲۶ ق.م.ا. هم به اعاده حیثیت در محکومیت به جرایم عمدی پس از گذشت مواعد مقرر در ماده ۲۵ ق.م.ا اشاره شده، در حالی که ماده ۱۳۷ ق.م.ا قلمرو تکرار جرم را جرایم تعزیری درجه یک تا شش تعیین کرده است. از سوی دیگر، یکی از شرایط تحقق تکرار جرم، عدم حصول اعاده حیثیت نسبت به محکومیت سابق است. اما این تعارض ظاهری است و براساس قاعده اصولی «اجمع مهمما أمکن أولى من الطرح» باید گفت که در تکرار جرم در محکومیت‌های تعزیری درجه شش، دو فرض قابل تصور است:

الف) قبل از اتمام دوره مجازات: تکرار قابل تحقق است.

ب) پس از اتمام دوره مجازات: تکرار قابل تحقق نیست؛ زیرا یکی از شرایط تحقق تکرار جرم عدم اعاده حیثیت است و در ماده ۲۵ ق.م.ا سلب حیثیت و اعاده آن در محکومیت‌های تعزیری فقط در مورد حبس تعزیری درجه یک تا پنج مقرر شده است؛ در نتیجه، محکومیت به تعزیر درجه شش از نظر اینکه سالب حیثیت نیست و زمان اعاده حیثیت ندارد، از شمول مقررات مربوط به تکرار جرم خارج خواهد بود.

در تکرار جرم در محکومیت‌های تعزیری درجه یک تا پنج، دو فرض قابل تصور است: الف) محکومیت به حبس تعزیری درجه یک تا پنج: ارتکاب مجدد جرم تعزیری درجه یک تا شش تا قبل از اعاده حیثیت، محکوم‌علیه را مشمول مقررات تکرار جرم قرار می‌دهد. برای مثال چنانچه شخصی به حبس تعزیری درجه پنج محکومیت قطعی یابد و حکم اجرا شود و پس از گذشت دو سال از تاریخ اتمام اجرای حکم مرتکب جرم تعزیری درجه چهار شود، چون براساس تبصره ۲ ماده ۲۶ ق.م.ا به اعاده حیثیت نائل شده، مشمول مقررات تکرار جرم نمی‌شود.

ب) محکومیت به مجازات تعزیری درجه یک تا پنج غیر از حبس: ارتکاب مجدد جرم تعزیری درجه یک تا شش قبل از اتمام دوره مجازات، محکوم‌علیه را مشمول مقررات تکرار جرم قرار می‌دهد، لیکن پس از اتمام دوره مجازات، تکرار قابل تحقق نیست؛ زیرا محکومیت سابق فاقد اعاده حیثیت است.

کیفیات مشدده عام از جمله تکرار جرم تنها در قلمرو جرایم عمدی قابل پذیرش و موجب تشدید مجازات است. در این زمینه رأی وحدت رویه ۲۵-۱۳۵۵/۱۱/۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور بیان می‌دارد: «نظر به اینکه به موجب ماده (۲۴) قانون

مجازات عمومی [ماده ۱۳۷ ق.م.ا.] مقررات تکرار جرم نسبت به کسانی قابل اعمال است که از تاریخ قطعیت حکم مجازات قبلی تا زمان اعاده حیثیت یا حصول مرور زمان مرتکب جنحه یا جنایت [جرم تعزیری درجه یک تا شش] جدیدی شوند و با توجه به اینکه در ماده (۵۷) قانون مذکور [ماده ۲۵ ق.م.ا.] سلب حیثیت و اعاده آن فقط در مورد جرایم عمدی مقرر شده است، نتیجتاً محکومیت به جرایم غیرعمدی از نظر اینکه سالب حیثیت نبوده و زمان اعاده حیثیت ندارد از شمول مقررات مربوط به تکرار جرم خواهد بود. بنابراین رأی شعبه ۱۱ مبنی بر اینکه محکومیت قبلی متهم به ارتکاب جرم غیرعمدی موجب اعمال مقررات تکرار جرم در تعیین مجازات جرم بعدی نیست موجه به نظر می‌رسد. این رأی طبق ماده واحده قانون مصوب تیرماه ۱۳۲۸ [ماده ۲۷۰ ق.ا.د.د.ع.ا.ک.] در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.»

همچنین، معافیت از تمام یا قسمتی از مجازات بعد از صدور حکم قطعی مانع اعمال مقررات تکرار جرم نیست.

اگر موجباتی مانند عفو عمومی و یا نسخ قانون اساساً محکومیت نخستین را محو کند یا آثار آن را بزدايد، چون دیگر محکومیتی وجود ندارد یا هیچ‌گونه اثر کیفی بر آن مترتب نیست (ماده ۱۰ ق.م.ا.)، قواعد تکرار جرم شامل جرم مجدد نخواهد شد (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۴).

در تعدد جرم، مجازاتی که عملاً اجرا شده، برای تحقق آثار و نتایج بعدی ملاک و ضابطه خواهد بود و نمی‌توان استدلال کرد که مجازات‌های اخف عملاً در درون مجازات اشد اجرا شود و باید آثار و نتایج آن هم مورد توجه قرار گیرد. برای مثال، شخصی مرتکب چند جرم می‌شود که یکی از آنها سیاسی و مجازات آن اشد است. براساس ماده ۱۳۴ ق.م.ا. در این فرض مجازات سیاسی درباره مجرم اجرا می‌شود. حال اگر این شخص در فاصله مدتی که برای تحقق تکرار جرم پیش‌بینی شده، مجدداً مرتکب جرم شود، باتوجه به اینکه مجازات اجرایی به‌خاطر جرم سیاسی بوده و اینکه مطابق ماده ۱۳۸ ق.م.ا. احکام تکرار جرم در مورد محکومان به ارتکاب جرم سیاسی اجرا نمی‌شود، باید گفت که جرم بعدی مشمول مقررات تکرار جرم - که مجازات را تشدید می‌کند - نخواهد بود.

ماده ۱۳۹ ق.م.ا. نیز بیان می‌دارد: «در تکرار جرم تعزیری در صورت وجود جهات تحفیف به شرح زیر عمل می‌شود:

الف- چنانچه مجازات قانونی دارای حداقل و حداکثر باشد، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر مجازات تقلیل دهد.

ب- چنانچه مجازات، ثابت یا فاقد حداقل باشد، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا نصف مجازات مقرر تقلیل دهد.

تبصره- چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود».

به نظر می‌رسد که ماده ۱۳۷ و تبصره ماده ۱۳۹ ق.م.ا. ناسخ ماده ۶۶۶ ق.م.ا. (تعزیرات) و تبصره آن هستند. داشتن سه فقره محکومیت قطعی کیفری یا بیشتر در صورتی شخص را از تخفیف مجازات محروم می‌کند که در قلمرو مقررات تکرار باشد. به عبارت دیگر، سوابق محکومیت قطعی کیفری باید از نوع تعزیری درجه یک تا شش باشد و مشمول حصول اعاده یا شمول مرور زمان اجرای مجازات نشده باشد (رادمنش و جانی‌پور، ۱۳۹۴، ص ۸).

نتیجه

این پرسش همواره مطرح بوده است که بحث تشدید مجازات در تکرار جرم یک بحث ماهوی است یا شکلی؟ اگر اعتقاد به ماهوی بودن آن داشته باشیم نمی‌توان گفت قانون جدید در فرض سؤال حاکم خواهد بود. بر فرض هم که اعتقاد به شکلی بودن قانون در باب تکرار جرم داشته باشیم، اجرای فوری آن (عطف بماسبق شدن آن) اگر با حقوق مکتسب متهم یا مجرم در تعارض باشد، اجرا نخواهد شد. به‌عنوان مثال، اگر مرور زمان در جرم خیانت در امانت در قانون قدیم پنج سال از تاریخ ارتکاب جرم اعلام شده باشد ولی قانون جدید (مصوب ۱۳۹۲) آن را ده سال بداند اما تا زمان لازم‌الاجرا شدن قانون جدید زمان پنج‌ساله فرا رسیده باشد، هرچند که اعمال نشده باشد، آیا می‌توان پس از قانون جدید مرور زمان ده‌ساله را برای فردی که در زمان حکومت قانون قدیم این حق مکتسب برای او بوجود آمده است اجرا کرد؟ قانونگذار در ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی قدیم (مصوب ۱۳۷۰) در مورد شخصی که مرتکب جرمی شده بود بیان می‌داشت که اگر مرتکب جرم دوم شود قاضی اختیار دارد مجازات را تشدید کند و میزان تشدید آن حداکثر مجازات بوده است. حال در زمان قانون جدید، شخص مرتکب جرم دوم شده و قانون جدید می‌گوید که در تکرار جرم قاضی مکلف است حداکثر به‌اضافه نصف مجازات را به مجرم بدهد. در قانون سابق نظر قانونگذار بر این بود که مجرم مجازات را تحمل کند تا اصلاح شود و معتقد بود که مجازات موجب اصلاح مجرم خواهد شد ولی اگر اصلاح نشود، چون خودش نخواسته، پس مجازات جرم دوم را تشدید می‌کنیم. حال اگر کسی در زمان قانون سابق مرتکب جرم شده و مجازات در مورد او اجرا نشده است، پس چگونه می‌توان گفت اگر در زمان قانون جدید مرتکب جرم دوم شده، مجازات او بدون در نظر گرفتن نظر قانونگذار سابق موجب تشدید خواهد شد؟ بنابراین اگر کسی مرتکب جرمی شود و حکم محکومیت او صادر گردد، این حکم محکومیت پایه تشدید مجازات او در تکرار جرم خواهد بود. پس حکم محکومیت قبلی او اجزایی داشته است از جمله اجرای حکم. نمی‌توان گفت که ما بدون توجه به مفاد حکم، صرفاً به محکومیت قبلی او توجه کنیم. در این فرض، یعنی توجه به محکومیت قبلی بدون در نظر گرفتن اجرای آن، به‌ضرر متهم یا مجرم خواهد بود و موجب تضییع حقوق او می‌شود. جمع تکرار واقع شده در قانون قدیم و جدید نمی‌تواند فقط موجب اجرای قانون جدید شود مگر آنکه قانون جدید مساعدتر به‌حال متهم باشد. اگر پایه جرم

قبلی مفیدتر باشد، باید آن را در حکم جدید لحاظ کرد. تکرار جرم دو پایه دارد و دو پایه را باید به طور کامل در نظر گرفت: الف) محکومیت پیشین ب) محکومیت پسین. بنابراین نمی توان جزئی از پایه اول را در محکومیت دوم در نظر گرفت و گفت قانون جدید فقط و فقط یک جزء از محکومیت قبلی را در نظر گرفته است. محکومیت پیشین با تمام مشخصاتش از جمله اجرای حکم، پایه است برای محکومیت دوم با تمام مشخصات آن. اگر محکومیت اول نباشد، آیا موجب تشدید محکومیت دوم خواهد بود؟

محکومیت قبلی در صورتی در محکومیت جدید مؤثر خواهد بود که محکومیت اول منتهی به اجرای حکم نیز شده باشد هر چند که در حکم محکومیت قبلی اجرای حکم قید نشده باشد، ولی گویی که در حکم محکومیت مجرم نوشته شده باشد که اگر این حکم اجرا شد و مجرم مرتکب جرم دیگری شود، مجازات او تشدید خواهد شد.

حال اگر این حکم روی محکومیت دوم قرار گیرد آیا می توان اجرای محکومیت قبلی را نادیده گرفت؟ به هر حال قانونگذار (در سال ۱۳۹۲) نمی تواند جزئی از حکم قبلی (اجرای مجازات) را منتفی اعلام کند، چون این حق متهم یا مجرم قرار گرفته است؛ زیرا در حکم اول به مجرم گفته شده که اگر اصلاح نشدی، مجازات تو را افزایش خواهم داد. بنابراین نمی توان قسمتی از حق محکوم علیه را نادیده گرفت (صرف نظر از اینکه اساساً تشدید مجازات در تکرار جرم خلاف انصاف و عدالت است)؛ چون در حکم اول به محکوم علیه گفته شد که باید به زندان بروی تا اصلاح شوی و به موجب آن حق پیدا کرده است؛ حال با چه استدلالی بگوییم که صرف محکومیت قبلی موجب تشدید مجازات خواهد بود؟ چون مجرم به ما می گوید مگر مرا به زندان بردید که می خواهید مجازات مرا تشدید کنید؟ اینجا یک حَقَم را می خواهید از بین ببرید. از همه اینها گذشته، در احراز نظر مقنن در اینجا تردید داریم؛ آیا می توان چشم روی حق مکتسبه متهم بست؟ بنابراین تردید در جزء دوم باید به نفع متهم تفسیر شود و نمی توان محکومیت اول را نادیده گرفت مگر اینکه گفته شود به ما ربطی ندارد.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

۱. آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ۲، ۳ و ۵، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.
۲. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، ج ۲، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۳.
۳. الهام، غلامحسین؛ تعدد جرم، نشر بشری، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۴. باهری، محمد؛ حقوق جزای عمومی ۴، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۸۹.
۶. جوانمرد، بهروز؛ فرایند دادرسی در حقوق کیفری ایران، بهنامی، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۷. حاجی تبار فیروزجایی، حسن؛ جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران، فردوسی، چاپ اول، بی‌جا، ۱۳۸۶.
۸. رضایی، غلامحسین؛ راهبردهای تعلیق و تعویق در فرایند کیفری، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
۹. زراعت، عباس؛ قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی انتشارات ققنوس، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸.
۱۰. شمس ناتری، محمدابراهیم و عبدالله یار، سعید؛ حالت ضرورت و دفاع مشروع، مجد، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰.
۱۱. صانعی، پرویز؛ حقوق جزای عمومی، ج ۲، گنج‌دانش، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۶.
۱۲. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی، چاپ ۲۵، امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۱۳. قیاسی، جلال‌الدین؛ ساریخانی، عادل و خسروشاهی، قدرت‌الله؛ مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، ج ۲، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، قم، ۱۳۸۸.
۱۴. کاتوزیان، ناصر؛ گامی به سوی عدالت، ج ۲، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۹.
۱۵. کلانتری، حمیدرضا؛ زارع، ابراهیم و ریاضت، زینب؛ قانون مجازات اسلامی، بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
۱۶. کی‌نیا، مهدی؛ مبانی جرم‌شناسی، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
۱۷. گرجی، ابوالقاسم؛ مقالات حقوقی، ج ۲، انتشارات دانشگاه تهران، بی‌تا.
۱۸. گلدوزیان، ایرج؛ بررسی تطبیقی مجازات مورد حکم و چگونگی اجرای آن، علوم جنایی، بی‌تا.

۱۹. گلدوزیان، ایرج؛ *محشای قانون مجازات اسلامی*، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۲۰. معین، محمد؛ *فرهنگ معین*، ج ۱، بی نا، ۱۳۷۸.
۲۱. میرمحمدصادقی، حسین؛ *جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی*، میزان، چاپ هشتم، ۱۳۹۴.
۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید؛ *دانشنامه جرم‌شناسی*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ *مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان*، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲۴. نوربها، رضا؛ *زمینه حقوق جزای عمومی*، کانون وکلای دادگستری، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۲۵. نوروزی فیروز، رحمت‌الله؛ *آیین دادرسی کیفری ۲ (صلاحیت)*، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۲۶. ولیدی، محمدصالح؛ *حقوق جزای عمومی*، ج ۲ و ۴، دفتر نشر داد، ۱۳۷۴.
- ب. مقاله‌ها و ...
۲۷. پورباقرانی، حسن؛ *محدودیت دادگاه در کیفیات قضایی*، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۴.
۲۸. رادمنش، امیرحسین و جانی پور، کرم؛ *بررسی تکرار جرم به‌عنوان عامل تشدید در قانون مجازات ۱۳۹۲*، کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی، ۱۳۹۴.
۲۹. رهدارپور، حامد و چنگایی، فرشاد؛ *بررسی شروع به جرم، جرم عقیم و جرم محال در لایحه قانون مجازات اسلامی با نگاهی به سیر قانونگذاری*، پژوهشنامه حقوقی، شماره ۱، ۱۳۹۰.
۳۰. ریاحی، جواد؛ *مبانی مجازات‌های اجتماعی با رویکرد به سیاست کیفری اسلام*، رساله دکتری، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
۳۱. نبی پور، محمد؛ *شرایط مسئولیت کیفری در لایحه قانون مجازات اسلامی*، تعالی حقوق، شماره ۷، ۱۳۸۹.

Investigating the Place of Recidivism in the Islamic Penal Code Adopted in 2013

Ahmad Pourebrahim*

Mohammadreza Pourghorbani**

Received: 26/4/2018

Accepted: 8/12/2018

Abstract

Recidivism means criminal behavior of someone who convicted by a criminal court based on a definitive sentence however later he commits another crime. A difference between the plurality of crimes and recidivism is the history of a criminal conviction, which is an important prerequisite for recidivism to occur. The conditions for the recidivism in the former Islamic Penal Code was first, the finality of the previous conviction, meaning the authority of criminal res judicata and must be enforceable; second, the previous conviction must be either punitive or deterrent (discretionary punishment awarded by the judge). Therefore, the prior conviction to non-punitive or non-deterrent punishments (namely punishment exactly defined by Sharia which may neither be reduced or augmented known as “Had” and talion) so the rules applying to non-punitive punishments had to be consulted through Islamic texts. Furthermore, it was deducible from the text of article 48 of the previous penal code that the prior punishment had to be performed, although, there was seemingly a difference between execution and completion of a criminal conviction. Without any doubt, if for some reasons such as exempting excuses, the punishment might not be enforced, the finality of conviction was not sufficient solely but if after enforcement of conviction or during its enforcement, the perpetrator committed a new crime, the rule of recidivism applied to him e.g. crimes committed by prisoners during the prison time. Regarding the second element of recidivism, that is, repeated conviction, the prerequisite of previous code for second offense was nothing but being of punitive or deterrent nature. According to the new penal code, the provision applying to recidivism undergoes important changes. Therefore, regarding the importance of such changes, the present paper reviews the approach of new penal code toward recidivism or reaped crimes.

Key words: *Recidivism, Islamic Penal Code, Augmentation of Penalties.*

*Ph.D in Criminal Law and Criminology of Qeshm Branch of Islamic Azad University.
purebrahim.ahmad@yahoo.com

**MA in Private Law of Zanzan Branch of Islamic Azad University.
m.poorghorbani14@yahoo.com